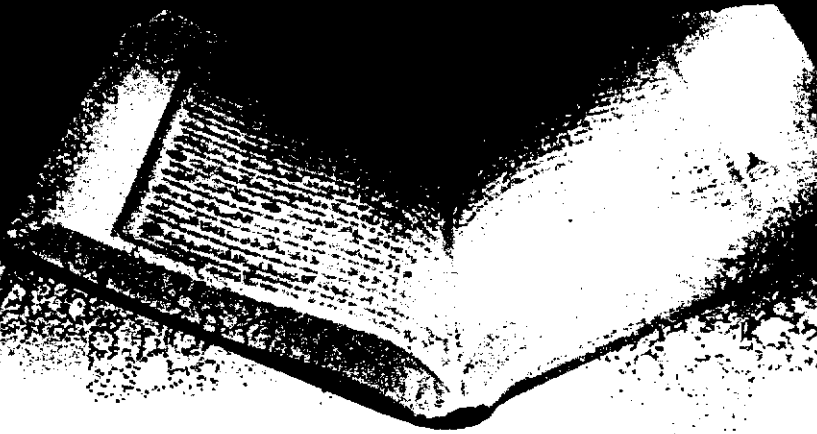


عوامل مہجوریت



علی اکبر مؤمنی
مرکز فرهنگ و معارف قرآن

جلوگیری از انتقال حکومت به اهل بیت، ممانعت از نشر احادیث و تعریف معنوی آیات قرآن همراه بود، موجب گردید بسیاری از احکام سیاسی، اجتماعی اسلام معطل بماند و قرآن از صحنه اجتماع و حکومت خارج شود و به مساجد، مدارس و کنج خانه‌ها اختصاص یابد.

عدم آشنایی با نقش قرآن در زندگی انسان

انسان به هر اندازه به عظمت و منزلت قرآن و نقش آن در زندگی خویش جاهل باشد، به همان میزان شوق و ذوق او در اطاعت از آن کمتر خواهد شد و هرگاه او فواید و برکات این کتاب آسمانی را نداند، به یقین رغبتی درخور توجه برای پیروی از آن نشان نمی‌دهد. در نتیجه، بی‌اعتنایی به این نسخه شفا بخش الهی، هم به انزوای قرآن منجر می‌شود و هم انسان و جامعه از فرامین سازنده و نور هدایتش محروم خواهد شد.

متأسفانه برخی با نگرش تک‌بعدی به قرآن، گمان می‌کنند قرآن مجموعه‌ای از احکام فردی و توصیه‌های اخلاقی است که پیروانش را به یک سلسله توصیه‌های اخلاقی، عبادی و فردی دعوت نموده است، غافل از آنکه قرآن در زمینه‌های گوناگون از جمله مباحث اخلاقی، سیاسی، اجتماعی، حکومتی - تربیتی، جامعه‌شناسی، فقهی، اقتصادی و ... دستورهای لازم را به پیروان خود ارائه نموده است.

نگرش محدود به قرآن

قرآن کریم به عنوان آخرین کتاب آسمانی که عهده‌دار هدایت بشر می‌باشد، از جامعیت لازم برخوردار است و معارف و آموزه‌های

در شماره قبل در مقاله «مہجوریت قرآن» به مفهوم و ابعاد مہجوریت قرآن پرداختیم. در این شماره به عواملی که باعث مہجور شدن قرآن می‌شود، می‌پردازیم.

عوامل مہجوریت

مہجوریت قرآن در میان مسلمانان دارای عوامل و زمینه‌های فراوانی است که به مهم‌ترین آنها اشاره می‌کنیم.

مہجوریت اهل بیت علیہم السلام

قرآن و عترت عصاره نبوت و تداوم بخش رسالت می‌باشند که هدایت بشر را تا قیامت تضمین می‌نمایند. به رغم تأکید رسول گرامی اسلام بر تمسک به قرآن و عترت و اعلام جدایی‌ناپذیری این دو از یکدیگر که در حدیث ثقلین بیان شده است، پس از رحلت آن حضرت صلی‌الله‌علیه‌وآله اقداماتی صورت گرفت تا اهل بیت علیہم السلام مہجور واقع شوند. اعراض از اهل بیت علیہم السلام که مفسران حقیقی قرآن به شمار می‌روند، موجب بزرگ‌ترین شکاف در میان مسلمانان شد و دوری از دستورهای قرآن و متروک شدن بسیاری از معارف قرآن را به دنبال داشت.

ائمہ اطہار علیہم السلام به عنوان قرآن ناطق و تبیین‌کننده احکام و معارف کتاب خدا، رابطه جدایی‌ناپذیری با قرآن دارند. از این رو، مہجوریت اهل بیت به یقین به مہجوریت قرآن می‌انجامد. در زیارت امام حسین علیہ السلام در روز عرفه می‌خوانیم: «و أصبح کتاب الله بفقْدک مہجوراً؛ کتاب خدا با فقدان تو مہجور گشت».

سیاست جداسازی قرآن و اهل بیت که با شیوه‌هایی چون

قَصَصِهِمْ عِبْرَةً لِّأُولِي الْأَلْبَابِ يوسف/۱۱۱؛ در سرگذشت آنها درس عبرتی برای صاحبان اندیشه است».

دو. محدودیت مکانی: محدودنگری در فضای نزول قرآن، باعث می‌شود که آیات قرآن در فضای کوچک و محصور نگه داشته شود و چشم‌انداز دیگری نداشته باشد و امکان گسترش افق‌های باز در صحنه‌های وسیع و مسائل اجتماعی - سیاسی و اقتصادی را پیدا نکند.

طبیعی است که قرآن هیچ محدودیتی ندارد، و محدودیت و تنگ‌نگری مربوط به دید محدود ما است که نمی‌توانیم همگام با تحولات زندگی، پاسخ نیازهای خود را پیدا کنیم.

فرهنگ و آداب و رسوم

فرهنگ نادرست و آداب و رسوم غلط را می‌توان یکی دیگر از عوامل مهجوریت قرآن به شمار آورد. در فرهنگی که توجه مردم به قرآن با رویکردی استخاره‌ای و تبرک‌جویانه و برای آموزش مردگان صورت می‌گیرد، قرآن در میان مردم حضور دارد و محبوب است؛ اما مهجور است.

حجاب‌ها

از جمله عواملی که زمینه مهجوریت قرآن را فراهم می‌سازد، حجاب‌هایی است که انسان میان خود و قرآن ایجاد می‌نماید؛ به‌گونه‌ای که در عین ارتباط با قرآن، از درک معارف و حقایق آن محروم می‌شود و بدین صورت از فیض گسترده قرآن بی‌بهره می‌ماند. به برخی از این حجاب‌ها اشاره می‌کنیم:

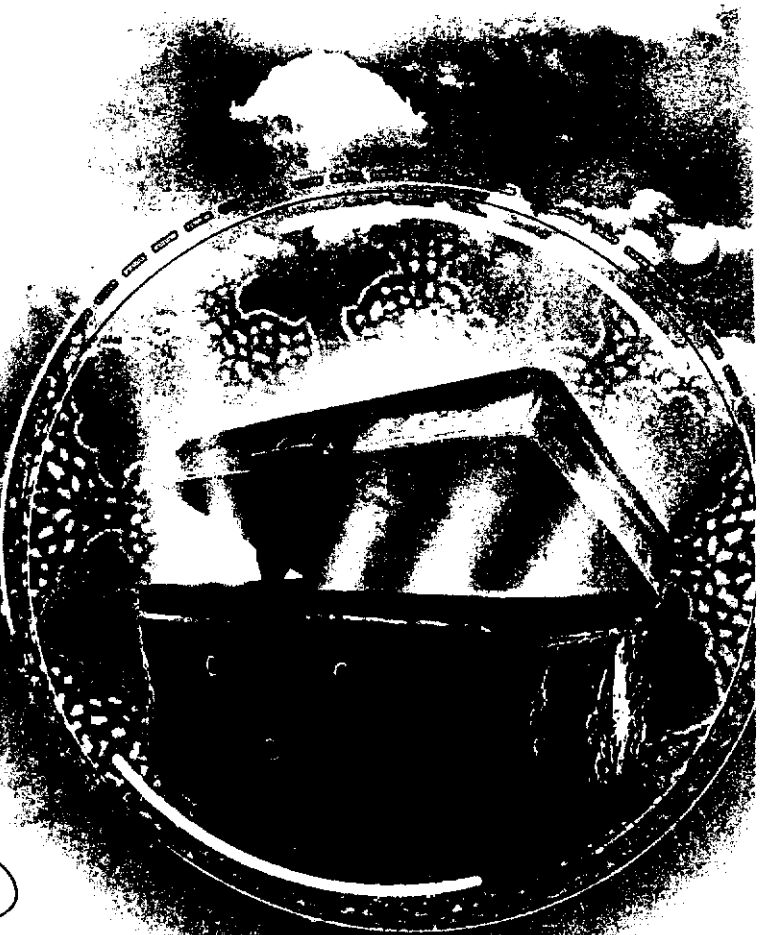
یک. **ساحت قدسی دست‌ناایافتنی:** ترسیم چهره‌ای دست‌نیافتنی و هیبتی ناصحیح از قرآن کریم از جمله حجاب‌هایی است که مانع بهره‌مندی از این کتاب مقدس شده و این امر نقش مهمی در دوری مردم از قرآن ایفا نموده است؛ به‌گونه‌ای که بسیاری از مؤمنان و مخاطبان قرآن را از نعمت تدبر محروم ساخته و نگرش روزآمد مفسران را به حداقل رسانده است.

بزرگ‌ترین آفت عبادت، همانا عادت است. در مورد تلاوت قرآن هم همین آفت وجود دارد. اینکه در حدیث نبوی وارد شده: «رَبُّ تَالِ الْقُرْآنِ وَالْقُرْآنِ يَلْعَنُهُ؟» چه بسیار قرآن‌خوانی که قرآن او را لعنت می‌کند، ناظر به کسانی است که آداب و شرایط ظاهری و باطنی تلاوت درست قرآن کریم را رعایت یا احراز نکرده‌اند؛ از جمله اینکه حضور قلب ندارند، دل نمی‌دهند، تدبر نمی‌کنند

دستوری آن جاودانه و منطبق بر همه زمان‌ها و مکان‌ها است. امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید: «اگر این‌گونه باشد که وقتی آیه‌ای درباره قومی نازل شد، پس از مرگ آن قوم، آیه نیز بمیرد، چیزی از قرآن باقی نمی‌ماند. ولی قرآن کریم تا آسمان و زمین هست، جاری است».

بی‌توجهی به جامعیت، جاودانگی و باطن عمیق قرآن کریم موجب شده است برخی دایره شمول بسیاری از آیات را به مردم عصر نزول محدود نمایند که این نگرش نقش مهمی در ناکارآمد جلوه دادن آیات قرآن داشته و سبب ناتوان شمردن آیات در رویارویی با حوادث شده است. محدودنگری به آیات قرآن کریم دو صورت دارد:

یک. محدودیت زمانی: این نگرش با نفی کاربردی بودن اسباب نزول آیات، آن را محدودیتی برای فکر و اندیشه تلقی می‌نماید. بنابراین در توجه به اشخاص و قهرمانان و وقایع تاریخی غوطه‌ور می‌شود؛ به طوری که افکار و مفاهیمی - که آیات جز برای بیان و تأکید آنها نازل نشده‌اند - فراموش می‌شوند و در قصص قرآنی نیز که جز به منظور «عبرت‌آموزی» نیامده‌اند، همین تلقی وجود دارد؛ در حالی که خداوند می‌فرماید: «لَقَدْ كَانَ فِي



از جمله اینکه حضور قلب ندارند، دل نمی‌دهند، تدبیر نمی‌کنند و با دل‌های «قفل شده» به سراغ قرآن می‌روند؛ چنان‌که حق تعالی می‌فرماید: «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا عَسَىٰ»^۱. در این میان، داشتن قصد ثواب یا نداشتن آن تأثیری به حال آنان که غافل‌اند ندارد.^۲

چهار. گناهان: از جمله حجاب‌های میان انسان و قرآن، که از مهم‌ترین زمینه‌های مهجوریت قرآن نیز به شمار می‌رود، آلوده شدن به گناه است.

در متون دینی برای گناه به جز کیفر اخروی، آثار و پیامدهای زیانبار بسیاری برشمرده شده است؛ از جمله آنکه گناه سبب می‌شود انسان از فهم قرآن و استفاده از معارف معنوی وحی محروم بماند و نتواند از تلاوت آیات به حقایق آنها برسد؛ زیرا با انجام گناه، آمادگی قلب برای درک راستی‌ها و درستی‌ها از میان می‌رود.^۳

پنج. احساس بی‌نیازی: احساس بی‌نیازی را می‌توان یکی دیگر از حجاب‌های میان انسان و قرآن دانست. انسان اگر سلوک علمی و عملی خود را برای پیوند با قرآن خوشایند بیندارد، این حالت حجاب و بازدارنده بزرگی است که انسان را از فیض پر دامنه قرآن محروم می‌سازد.

پی‌نوشتها

۱. بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۳۶۰.
۲. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۱.
۳. بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۱۸۴.
۴. قرآن پژوهی، بهاء‌الدین خرمشاهی، ص ۷۲۵.
۵. رک: مجله حوزه، ش ۹۶، ص ۲۲۲.

از نگاه امام خمینی (ره) یکی از بزرگ‌ترین حجاب‌های میان انسان و قرآن که مانع استفاده از آن شده است، اعتقاد به آن است که جز آنچه مفسرین نوشته یا فهمیده‌اند، کس دیگری حق استفاده از قرآن شریف ندارد و تفکر و تدبیر در آیات شریفه را با تفسیر به رأی، که ممنوع است، اشتباه نموده‌اند و به سبب این رأی فاسد و عقیده باطل، قرآن شریف را از جمیع فنون استفاده عاری کرده و آن را به کلی مهجور نموده‌اند؛ در صورتی که بهره‌های اخلاقی و ایمانی و عرفانی از قرآن، به هیچ وجه مربوط به تفسیر نیست تا تفسیر به رأی باشد.

دو. انحصار در جاذبه معنوی: جاذبه معنوی کلام الهی روح را راضی می‌کند و دل را به انجام صورت عبادت (تلاوت قرآن) خوش می‌دارد. جاذبه قدسی کلام الهی چندان است که کسانی هم که اعماق معانی عبارات قرآنی را درک نمی‌کنند، آن جاذبه فراگیر و مرموز خوشایند و آن نور دلگشا را حس می‌کنند. این جنبه قدسی و جاذبه غیبی و حرمت ماورایی قرآن مجید، در حکم یک حجاب نورانی، در راه فهم ساده معانی ژرف کلام‌الله است.

سه. اکتفا به تلاوت به قصد ثواب: حجاب یا مانع دیگری که بر سر راه فهم معانی آیات بینات قرآن کریم است و به مهجوریت قرآن می‌انجامد، صرفاً به قصد ثواب خواندن قرآن است. صاحب‌نظران اهل معنی گفته‌اند بزرگ‌ترین آفت عبادت، همانا عادت است. عادت باعث می‌شود که عبادتی بدون توجه قلبی انجام گیرد و به لقلقه زبان تبدیل شود.

در مورد تلاوت قرآن هم همین آفت وجود دارد. اینکه در حدیث نبوی وارد شده: «رب تال القرآن و القرآن یلعنه»^۴؛ چه بسیار قرآن خوانی که قرآن او را لعنت می‌کند، ناظر به کسانی است که آداب و شرایط ظاهری و باطنی تلاوت درست قرآن کریم را رعایت یا احراز نکرده‌اند؛

